

«نخستین مدارس در ایران باستان»

دکتر هاشم محمدی

چکیده:

با کشف الواح گلی در یکی از شهرهای بین‌النهرین به نام «اروک» ساختار تشکیلاتی و سازمانی اولین مدارس و جای‌گاه آموزش و پرورش و تعلیم خط و زبان‌شناسی و پرورش کاتبان و دبیران و منشیان و نویسندگان امور اداری و اقتصادی و طبقات مختلف کاهنان، مورد شناسایی و بررسی قرار گرفته است. در این اسناد کتبی، ساختمان و بنای مدرسه و اعضای آن، وظایف شاگردان و معلمان، رشته‌های گوناگون علوم و شاخه‌های آن، نحوه‌ی پذیرش دانش‌آموز و دیگر امور مربوط به تعلیم و تربیت بیان شده است. با بررسی تاریخ آموزش و پرورش در ایران باستان می‌توان گفت که ایرانیان از پیش‌تازان معارف و فرهنگ و هنر و علم و دانش بوده‌اند و حق بزرگی بر تمدن بشری دارند. در این نوشتار ساختار تشکیلاتی قدیمی‌ترین مدرسه‌ی جهان در تمدن سومر و مصر بیان شده و سپس سیر تاریخی آموزش و پرورش در زمان سلسله‌های مادها، هخامنشیان، سلوکی‌ها، اشکانیان و ساسانیان و نگاه و نگرش ادیان و مذاهب رایج این دوره‌ها نسبت به تعلیم و تربیت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

مقدمه:

پیش از آمدن و استقرار ایرانیان در این سرزمین، در قسمت‌های غربی و جنوب غربی ایران ملت‌هایی می‌زیستند که هر یک از آنان از دیرباز دارای تمدن و فرهنگی شناخته شده بودند و آثار مکتوبی که حاکی از تمدن درخشان و مدنیّت آن‌ها است، هنوز بر جای مانده است و از جمله‌ی آنان می‌توان قوم سومر و عیلام و اکد را نام برد.

سومریان در بخش جنوبی بین‌النهرین مستقر بودند و به زبان سومری که زبانی مستقل محسوب می‌شود تکلم می‌کردند. بخشی از اهمیت ویژه‌ای که این قوم در تاریخ تمدن بشری کسب کرده‌اند، به دلیل ابداع شیوه‌ی جدیدی در نگارش و نقش مهمی است که در تاریخ تکوین و تکامل خط داشته‌اند. بسیاری از

خطوط دوره‌ی باستان از خط سومری اقتباس شده است. (باقری: ۱۳۸۱: ۶۵). خط میخی در تاریخ تحوّل و تکوین خط، از خطوط سامی رایج در بین‌النهرین اقتباس شده و از زمره‌ی خطوط هجانگار محسوب می‌شود و مرکب از علایم و اشکالی به شکل میخ است و به همین دلیل خط میخی «Cuneiform» خوانده و از چپ به راست نوشته می‌شود. (همان، ص ۴۷) با این خط سومری‌ها سهم خود را به مدنیت ادا کردند. نخستین اسناد کتبی سومر در یکی از شهرهای بین‌النهرین به نام «اروک» پیدا شده است که شامل یک‌هزار لوحه‌ی گلی درباره‌ی امور اداری و اقتصادی و ... است. بر روی تعدادی از این لوحه‌ها مجموعه‌ای از لغات دیده می‌شود که به منظور تمرین و مشق نوشته شده و این می‌رساند که در حدود سه هزار سال پیش از میلاد بعضی از کاتبان، امر تعلیم و تعلّم خط را به عهده داشته‌اند و مدارسی وجود داشته که در آن‌ها به آموزش این خطوط می‌پرداخته‌اند.

پیدایش مدارس سومری نتیجه‌ی مستقیم اختراع و توسعه‌ی خط میخی بود که در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد این مدارس برپا شدند و در واقع می‌توان آن‌ها را نخستین مدارس جهان و جای‌گاه آموزش و پرورش و تعلیم خط و زبان‌شناسی و پرورش کاتبان، دبیران، منشیان دربار و معابد، نویسندگان امور اداری و اقتصادی، طبقات مختلف کاهنان و عمال و کارفرمایان دانست که بیش‌تر از خانواده‌های ثروتمند و مرفه بودند و افراد تهی‌دست قدرت صرف عمر و مال را برای دوره‌ی طولانی تحصیل نداشتند.

گرچه سازمان این نوع مدارس در الواح به دست آمده، مشخص نیست، اما مطالبی پراکنده در لوحه‌ها وجود دارد که ما را تا اندازه‌ای با ساختار تشکیلاتی سازمانی این گونه مدارس آشنا می‌کند.

در کاوش‌های انجام گرفته در چند نقطه‌ی بین‌النهرین به‌ویژه در سه شهر: نیپور، شبر، اور، بناهای مدرسه، اتاق‌هایی بوده شبیه اتاق درس که لوحه‌های فراوانی در آن قرار داشته است. در هر اتاق چند ردیف نیمکت آجری دیده شده که برای نشستن یک یا دو یا چند نفر ساخته شده بوده است.





۶- **نوآموزان و شاگردان:** شاگرد که به نام فرزند مدرسه نامیده می‌شده دو گروه بوده‌اند:

گروه اول: نوآموزانی که تازه آمده و بدخط بوده‌اند و توسط شاگردان ارشد به آنان به ویژه خوش خطی را تعلیم می‌داده‌اند.
گروه دوم: شاگردان سال‌های بعد که خوش خط بودند. البته مدت دوره‌های مشخص نیست و آمده که شاگردان ارشد آموزش علمی را جهت نیازهای جامعه و معابد و کاخ‌ها و دربارها یاد می‌گرفته‌اند.

وظیفه‌ی شاگرد:

۱- خواندن لوح روز پیشین و حاضر کردن و از برگرفتن آن نرد برادر مهتر (دانش‌یار) بوده که اگر از حفظ بود مورد تمجید و تشویق قرار می‌گرفت، در غیر این صورت تنبیه بدنی با چوب و شلاق در انتظارش بود.

۲- نوشتن لوح جدید برای روز بعد و تکرار و تمرین و توضیح معلم. دانش‌آموز از طلوع صبح تا غروب در مدرسه می‌ماند. ظهر هم غذا را در مدرسه می‌خورد، تعطیلات او مشخص نبود، غروب به خانه مراجعت می‌کرد. وظیفه‌ی روزانه‌ی یک شاگرد که در بخشی از مقالات به دست آمده مشخص شده در ادامه یادآوری می‌گردد.

در سال (۱۹۰۹م)، بخشی از مقاله‌ای با نام ایام تحصیل، توسط یکی از محققان جوان خط میخی به نام «هوگورادو»، استنساخ شد و انتشار یافت، ۲۵ سال بعد قسمت‌های دیگر آن توسط خاورشناسان نام‌داری چون استیفن لنگدون، ادوارد شی‌یرا (E-shiyera) به طبع رسید و سرانجام با استفاده از الواح دیگر در سال (۱۹۳۸م) تمام مقاله کامل شد اکنون ۱۳ نسخه‌ی آن در موزه‌ی دانشگاه پنسیلوانیا، هفت نسخه در موزه‌ی شرق‌شناسی و یک نسخه در موزه‌ی لور نگهداری می‌شود، اهمیت این مقاله در این است که کار روزانه‌ی یک دانش‌آموز را شرح می‌دهد و با این پرسش آغاز می‌شود که: ای دانش‌آموز! در روزهای پیشین به کجا رفتی؟ دانش‌آموز جواب می‌دهد: به مدرسه می‌رفتم، در مدرسه چه می‌کردی؟ لوحم را از بر می‌خواندم و ناهار می‌خوردم. آن‌گاه لوح تازه‌ای تهیه می‌کردم و به پایان می‌رساندم. عصرها تکلیف کتبی من معین و پس از تعطیل مدرسه به خانه می‌شناختم. در خانه پدر انتظار مرا می‌کشید، تکلیف خود را به او می‌گفتم و پس از آن لوح را نزد وی می‌خواندم. پدرم از خواندن آن خشنود می‌شد.

سپیده دم که از خواب برمی‌خاستم، مادرم را می‌دیدم. به او می‌گفتم: غذای ظهر مرا آماده کن تا به مدرسه بروم. مادرم دو قرص نان به من می‌داد و روانه‌ی مدرسه‌ام می‌ساخت. در مدرسه ارشد کلاس می‌پرسیدی؟ برای چه دیر آمدی. هراسان و وحشت‌زده در حالی که قلبم از ترس می‌تپید، به حضور استاد می‌رسیدم و مراسم ادب را به جای می‌آوردم (کریم: ۱۳۸۵: ۶). که اگر دیر رسیده بود، بی‌گمان تنبیه در انتظار او بود و رسم ادب و احترام به جا آوردن هم سودی نداشت و جالب است که با گذشت هزاران سال

اعضای مدرسه:

۱- اومیا (Omia)، رئیس مدرسه که با نام پدر مدرسه و با لقب خیره و استاد از او یاد شده است.

۲- برادر مهتر (دانش‌یار)، برادر رئیس مدرسه و معلم تهیه‌ی سرمشق و حفظ و کنترل مشق آنان که پس از رئیس، مقام ارشد بوده است و کنترل حضور و غیاب و دیر و زود آمدن را به عهده داشته است.

۳- مأمور شلاق و تنبیه که نقش ناظم را به عهده داشته و مسئول امور انتظامی مدارس بوده است.

۴- ارشد کلاس: درست مثل امروز وظیفه‌ی کنترل دانش‌آموز تا قبل از رسیدن معلم و گزارش تخلفات به معلم مربوطه را به عهده داشته است.

۵- از معلمان رشته‌های گوناگون در الواح به دست آمده، یاد شده است.

الف: معلمان الهیات: کار آنان نیایش خدایان و قهرمانان، آموزش سرودهای مذهبی، مرثیه‌ها، حکمت‌ها، اساتیر و سایر متون مذهبی بوده است. (کتیبه‌ی ۳۱ کریم، ترجمه)

ب: گیاه‌شناسی: فایده‌ی گیاهان دارویی و اسامی آنان که حتا به بیماری هم توصیه شده: «بذر گیاه آویشن را بسایند و در آب‌جو حل کنند و به او بدهند تا بنوشد.» (کتیبه‌ی ۳۰ کریم، نسخه‌ی پزشکی)

ج: ریاضی (ارابه‌ی جداول مختلف)

د: دستور زبان و زبان‌شناسی: طبقه‌بندی زبان‌ها و گروهی از کلمات و عبارات وابسته به هم که همین گروه کلمات را هم می‌توان اولین لغت‌نامه و فرهنگ‌نامه محسوب کرد.

ه: اطلاعات علمی دیگر همانند: تقویم و راه‌نمای کشاورزی (لوح ۳۲)، نقاشی‌ها از مناظر مختلف (لوح ۳۳ و ۳۵)، مردم‌شناسی فرهنگی (لوح ۴۲)، عدالت اجتماعی (لوح ۴۴)، امثال و حکم و سایر علوم و دانش‌ها در این الواح مکشوفه وجود دارد و آن‌طوری که پژوهش‌گران بررسی نموده‌اند هر علم، معلمی مختص به خود داشته است. (کریم: ۱۳۸۵: ۵)

معلمان و آموزگاران خود از میان طبقه‌ی حاکم، اداره‌کنندگان معابد، افسران ارتش، مأموران عالی‌رتبه، طبقات مختلف کاهنان و عمال و کارگزاران انتخاب شده و آموزش دیده بودند و فقط فرزندان همین طبقه هم حق ادامه‌ی تحصیل و آموزگاری داشتند. از آن جایی که درآمد ماهیانه‌ی آنان از شاگردان بوده، اکثر دانش‌آموزان از خانواده‌های ثروتمند بوده و فقرا توان مالی پرداخت شهریه را نداشتند. تعلیم و تربیت نه اجباری بوده و نه همه‌گانی، ولی با توجه به هزینه و شاید هم فلسفه‌ی جامعه‌ی طبقاتی، افراد مستمند و درویش نمی‌توانستند چنین معلمانی را به خدمت گمارند.

در هیچ‌یک از اسناد نامی از زنان برده نشده و این نشانه‌ی آن است که زنان را به مدارس سومری راهی نبوده است.

درجه و رتبه‌ی معلمان نامعلوم بوده، فقط رئیس مدرسه به عنوان پدر مدرسه و جانشین آن به عنوان «دانش‌یار» معروف بوده‌اند.



و از معاشرت با هم‌بازی‌های ناباب و ناشایست جلوگیری گردد.

مرحله‌ی دوم: آموزش عمومی از ۷ ساله‌گی آغاز و تا ۱۴ و ۱۵ ساله‌گی ادامه داشت. در این دوره آموخته‌های محیط خانواده شکل و قوام می‌گرفت و معلم‌ان نقش راهنما داشتند علاوه بر آموزش‌های نظری به آموزش‌های عملی و تربیت بدنی نیز پرداخته می‌شد.

مرحله‌ی سوم: آموزش اختصاصی که با بلوغ و رشد هیجانات در فرد مصادف بود. در این دوره استعدادها شناسایی و با توجه به استعداد فرد رشته‌ی تخصصی به او آموزش داده می‌شد. (علاقه‌مند: ۱۳۶۸: ۷۸) برجسته‌ترین آیینی که ایرانیان با آن شناخته می‌شدند آیین زرتشت است و از کتاب‌های دینی زرتشتی می‌توان نکات جالبی را در زمینه‌ی آموزش و پرورش به دست آورد. در کتاب دینکرت آمده: پرورش را باید مانند زندگی مهم شمرد. هرکس باید به وسیله‌ی پرورش و فراگرفتن و خواندن و نوشتن خود را به پای‌گاه ارجمند رساند و با رعایت دستورات دینی و استفاده از پندنامه‌ها قانون و نظم را نگه دارد. (تفضلی: ۱۳۷۸: ۳۸)

بر پایه‌ی نوشته‌ی «مینوی خرد» هرکس انتظار داشت که فرزندش بر افتخار خانواده و میهنش بیفزاید. (همان ص ۱۳۰) در پندنامه‌ی بزرگ‌مهر هم آمده: «هرکس باید یک سوم از شبانه‌روز را صرف پرورش دینی کند.» (ضمیری ۱۳۶۹: ۱۳) با رواج دین زرتشت، آتش‌کده‌ها برای آموزش مورد استفاده قرار گرفت و مدارس ویژه‌ای برای فنون نظامی و تربیت بدنی و صنعت و فن به وجود آمد. معلمان در این دوره با آموزش و پرورش نوباوه‌گان و فرزندان اجتماع، مهم‌ترین نقش را در سازمان جامعه به عهده داشتند و بی‌نهایت مورد احترام و توجه بودند و هر معلمی با توجه به تخصص خود تعلیم می‌داد.

دانش‌آموزان هم‌سه‌گروه بودند:

۱- دانش‌آموزان خاص: شاه‌زاده‌گان و بزرگ‌زاده‌گان که به آنان علوم سیاسی و فنون کشورداری آموخته می‌شد.

۲- دانش‌آموزان حرفه‌ای: فرزندان مغان، موبدان و هیربدان و صنعت‌گران

۳- دانش‌آموزان عمومی: فرزندان کارمندان درباری، معلمان و بازرگانان که به آنان امور فرهنگی و اداری و اقتصادی آموزش داده می‌شد.

در اهمیت آموزش و پرورش در آیین زرتشت همین بس که زرتشت خود را آموزگار نامیده و معجزه‌ی او در کلام و زبان روان و زیبایی او بوده است.

در دوره‌ی سلوکی آموزش به طور کلی سیر نزولی داشت و اطلاعاتی در این زمینه وجود ندارد.



به وجود آمد. تاریخ مکتوب ایران اعم از الواح گلی، سنگ نوشته‌ها، کتیبه‌ها و نقش و نگارهای روی ظروف و ... از سده‌ی هشتم پیش از میلاد آغاز شده و در حدود چهارده سده، سلسله‌هایی مانند مادها، هخامنشیان، سلوکی‌ها، اشکانیان و ساسانیان بر پهنه‌ی ایران زمین و حتی کشورهای مجاور فرمان‌روایی کردند. از دوران سلسله‌ی مادها هیچ نوشته‌ای به یکی از زبان‌های ایرانی برجای نمانده است. (تفضلی: ۱۳۸۲: ۱۷) در نوشته‌های مورخان یونانی اشاراتی به موضوع مدارس و آموزش و پرورش این دوره نشده است. در دوره‌ی هخامنشی تعلیم و تربیت در خانواده، آتش‌کده و آموزش‌گاه درباری صورت می‌گرفت دوران تحصیل از سنین ۵ تا ۷ ساله‌گی آغاز می‌شد و کودک مرحله‌ی اول آموزش را در محیط خانواده می‌گذراند و برای ورود به مدرسه و دوره‌ی آموزش عمومی و همه‌گانی آماده می‌شد. زمان تحصیل و مدت آموزش در این دوره سه مرحله بود که نسبت به رشد و قوای جسمانی و ذهنی، روحیات و خصایص ملی و اهداف و نیازهای اجتماعی متغیر بود.

مرحله‌ی اول: آموزش خانواده‌گی که طی آن مهم‌ترین و اساسی‌ترین شالوده‌ی تربیت و آموزش ایجاد می‌شد. مادر، وظیفه‌ی سنگینی بر عهده داشت و سعی می‌کرد آداب و رسوم به طفل آموزش داده شود



بعضی از این آداب و رسوم تغییری نکرده و هم‌چنان جزو برنامه‌های آموزشی است. یکی از این آداب که هنوز هم در بسیاری از روستاهای دور افتاده و محروم کشور ما نمایان است، دعوت معلم و احترام به او جهت دل‌جویی و کمک به دانش‌آموز است. هرگاه دانش‌آموزی بیش از اندازه از رفتن به مدرسه دیر می‌کرد و یا تکلیف و مشق درسی خود را درست انجام نمی‌داد و از بر نمی‌کرد و بارها مورد غضب و خشونت معلم قرار می‌گرفت، دانش‌آموز از پدر می‌خواست معلم را به خانه دعوت کند و دل او را به دست بیاورد. دعوت معلم توسط پدر به خانه صورت می‌گرفت و او را در صدر می‌نشاند و کمر به خدمت او می‌بست و هدایا و تحف گوناگون همانند: لباس‌های فاخر و خلعت‌های گران‌بها و انگشتری و سایر هدیه‌های با ارزش به او تقدیم می‌کرد، تا معلم هم از این همه گشاده‌دستی و بزرگی خوش‌حال شود و دلش به رحم آید و نسبت به کودک کینه‌ای نداشته باشد. در الواح ذکر شده که آموزگار گاهی آن قدر شاد و خوش‌حال می‌شد که کودک را نوید کام‌یابی در فن دبیری می‌داد و آینده‌ی درخشانی را در پیش روی او تجسم می‌کرد و از آن به بعد پیش‌تر او را مورد ملاحظت و مهربانی و توجه بیش از اندازه قرار می‌داد و این تشویق و تمجیدها گاهی مؤثر واقع می‌شد و شخصیت شاگرد را به طور کامل دگرگون می‌کرد و آینده‌ی خوبی را برای او رقم می‌زد.

باستان‌شناسان مصری در جریان کاوش‌های خود در محوطه‌ی تاریخی در غرب صحرای مصر موفق به کشف بقایای ساختمانی شدند که می‌توان آن‌ها را قدیمی‌ترین مدرسه‌ی جهان دانست. باستان‌شناسان این بنای آجری را بخشی از شهر تاریخی آمهیدا (Amhida) می‌دانند که قدمت آن حدود پنج هزار سال است و در سال‌های دور با جمعیتی حدود ۷۵ هزار نفر در مسیر تجاری مردم تمدن‌های روم و یونان باستان بوده است. تا به حال در بقایای این مدرسه آثاری از تمدن‌های روم و یونان باستان از جمله ظروف سفالی حاوی روغن زیتون کشف شده‌اند. بر اساس کاوش‌های انجام شده در سال‌های گذشته ساکنان شهر آمهیدا در علوم مختلف به ویژه دندان پزشکی و ساخت ابزارآلات فلزی مهارت داشته‌اند. باستان‌شناسان کشف قدیمی‌ترین مدرسه‌ی جهان را یک کشف منحصر به فرد دانسته‌اند و امیدوارند با ادامه‌ی کاوش‌ها، آثار تاریخی دیگری را کشف کنند. راجع به ساختار تشکیلاتی و سازمانی این نوع مدارس و نحوه‌ی پذیرش دانش‌آموز و دیگر مسایل مربوطه در حال حاضر اطلاعات دیگری در دست نیست.

با پیدایش زبان و خط به عنوان یک وسیله‌ی مهم ارتباطی، تحول شگرفی در آموزش و پرورش



در دوره‌ی اشکانیان و ساسانیان دوباره بر رونق آموزش و پرورش افزوده شده است.

در دوره‌ی اشکانیان روحانیون زرتشتی نه تنها وظیفه‌ی آموزش دینی کودکان را به عهده داشتند، بل که وظیفه داشتند هر کدام را به حرفه و فن و علمی دیگر بیارایند. (حکمت: ۱۳۶۵: ۲۱) «آذربادماراسپند» یکی از موبدان دین زرتشت چنین اندرز می‌دهد: زن و فرزند خود را از کسب دانش بازمدار تا غم و اندوه به تو نرسد. اگر تو را فرزندی باشد به مدرسه فرست و به کسب دانش گمار. (رضائی: ۱۳۷۹: ۱۴۹)

دوره‌ی ساسانیان دوره‌ی رشد و شکوفایی نظام تعلیم و تربیت است. علم و دانش به شاخه‌های گوناگون تقسیم شد. آموزش گاه درباری مخصوص شاهزاده‌گان و پسران نجبا و اشراف بود و اعیان بود و برنامه‌ی تعلیم و تربیت آنان شامل سه قسمت بود:

۱- دینی و اخلاقی

۲- تربیت بدنی

۳- خواندن و نوشتن و حساب کردن.

علاوه بر این به کودکان چوگان بازی، سوار کاری، تیراندازی، شکار و شناسایی آموختند. (علاقه‌مند، ۱۳۶۲: ۶۵)

تفاوت عمده‌ی آموزش و پرورش هخامنشی با ساسانیان همانا توجه و نفوذ بیش از اندازه‌ی روحانیون زرتشتی و آموزش مراسم دینی در دوره‌ی ساسانی بود. در دوره‌ی هخامنشی به همه‌ی آموزش‌ها به‌ویژه آموزش‌هایی که به زندگی اجتماعی و کار و حرفه و جنگ مربوط بود، توجه می‌شد. پرورش بدنی و اخلاقی و روانی و اجتماعی را از محاسن و نیز انحصاری و تقلیدی بودن آموزش به‌ویژه در دوران ساسانیان را از معایب آموزش و پرورش در ایران باستان برشمردند. نخستین فرهنگستان ایران به فرمان داریوش هخامنشی گشوده شد. روش‌های تعلیم و تربیت در این دوره از طریق پند و اندرز و تکیه بر حافظه، بیان فصیح، مشاهده و تجربه، تنبیه و تکیه بر روش‌های علمی بوده است. تا پایان دوره‌ی ساسانیان و ظهور اسلام آموزش‌گاه‌ها بر مبنای اصول تعلیم زرتشت بود و مدارس ویژه‌ای هم برای فنون نظامی و تربیت بدنی و سایر دانش‌های دیگر به وجود آمد. در دوره‌ی ساسانیان آموزش و پرورش تنوع زیادی گرفت و علم و دانش به شاخه‌های گوناگون تقسیم شد. مهارت‌های فنی و هنری از مواردی بود که هر کودک ایرانی موظف به فراگیری آن بود، به ویژه حرفه و پیشه‌ای که از پدر به او ارث رسیده بود.

ظهور مانی و نفوذ روحانیون زرتشتی باعث شد که نسبت به امور دینی اهتمام بیش‌تری شود، از آنجایی که مذهب مانی آمیزه‌ای از اصول و عقاید و رسوم ادیانی همانند: زرتشتی، بودایی و یونانی و ...



بود جنبه‌ی معنوی آن بر دیگر ابعاد آموزشی برتری داشت. تعلیمات مانی بیش‌تر با روش‌های دیداری (تصویری) رواج یافت و برگزیده‌گان و شاگردان او از راه زهد در ریاضت به کسب نور و روشنایی می‌پرداختند. مانی در حکمت، یک فلسفه‌ی آمیخته به روش عرفانی را رواج داد.

آیین مزدک در واقع نوعی تجدید نظر در آیین مانی بود و طبقات مختلف جامعه را مورد نكوهش قرار می‌داد، معتقد به برابری طبقات بود و آثار فرهنگی زیادی در دید و نگرش مردم نسبت به موبدان و اسقف‌ها و پادشاهان به وجود آورد. آیین مهرپرستی هم، توجه به آموزش فرزندان به‌ویژه دستورهای پرورشی و اخلاقی و از همه مهم‌تر راست‌گویی را از اهداف خود اعلام کرده بود.

ظهور مانی و مزدک و انتشار عقاید آنان و رواج و گسترش سایر ادیان و مذاهب سبب شد که ایران به مرکز برخورد این عقاید تبدیل شود و در زمینه‌ی تعلیم و تربیت به مبادله بپردازند و پژوهش‌های علمی و عملی خود را تقویت کنند. این رفتار پسندیده و همیشه‌گی ایرانیان ناشی از آن است که آیین زرتشت دانش‌آموزی و فرهنگ و هنر را همواره بالاترین نیکی‌ها و مهم‌ترین رستگاری می‌دانستند.



نتیجه‌گیری:

در دولت‌شهرهای سومری نخستین آموزش‌گاه‌ها در معابد برپا می‌شد و برای اولین بار در جهان به نوجوانان در سنین معینی ادبیات سومری شامل افسانه‌های مقدس و اشعار شاعران سومری و سرودها و نیایش‌های مذهبی، همراه با دروس مربوط به اخلاق و مناسبات اجتماعی و ریاضیات آموزش داده می‌شد. مجموعه‌ی قوانین مقدس یا رموز شهروندی که «کلام آسمانی» یا «می» نامیده می‌شد، با روشی پیچیده از طریق تکرار و هم‌سرایی در اندیشه و روان مردمان جای گرفت و این قرن‌ها پیش از آن بود که یونانیان آکادمی‌های خود را برپا کنند. با دست‌یابی به این متون و مواد آموزشی مدارس سومری، امروزه می‌دانیم که خدایانوان متعددی در سرودهای نیایش و در پرستش‌گاه‌ها و مراسم آیینی آن روزگار مورد ستایش و پرستش قرار می‌گرفته‌اند. با پیدایش زبان و خط، تحوّل شگرفی در آموزش و پرورش به وجود آمد و در حدود ۱۴ قرن حکومت‌های گوناگونی همانند مادها، هخامنشیان، سلوکی‌ها، اشکانیان و ساسانیان بر پهنه‌ی ایران زمین و کشورهای مجاور فرمان‌روایی کردند و مراحل گوناگون آموزش و پرورش عمومی و همه‌گانی و خاص با توجه به استعداد و زمینه‌های فراگیری و رشد و قوای جسمانی و ذهنی و هم‌چنین روحیات و ویژه‌گی ملی و اهداف و نیازهای طبقات اجتماعی گوناگون، رواج و گسترش دادند.

منابع:

- ۱- اصل و نسب دین‌های ایرانیان باستان، عبدالعظیم رضایی، انتشارات در، ۱۳۷۹
- ۲- تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، محمدعلی ضمیری، انتشارات مروارید، ۱۳۷۲
- ۳- تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، احمد تفصیلی، انتشارات سخن، ۱۳۷۸
- ۴- آموزش و پرورش در ایران باستان، علی‌رضا حکمت: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵
- ۵- تاریخ فرهنگ ایران، عیسا صدیق: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۲
- ۶- جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، علی‌علاقه‌مند، انتشارات زوار، ۱۳۶۲
- ۷- مینوی خرد، احمد تفضلی، انتشارات توس، ۱۳۷۹
- ۸- تاریخ زبان فارسی، مهری باقری، انتشارات سخن، ۱۳۸۱
- ۹- الواح سومری، ساموئل کریمر، ترجمه‌ی داوود رسایی، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۵

پایان

